

آثار خشوع در نماز از منظر آیات و روایات

حجت الاسلام والمسلمین علیرضا انصاری*

اشاره

بی تردید نماز معراج مؤمن،^۱ نور چشمان رسول اعظم ﷺ^۲ و ستون استوار دین اسلام است.^۳ این عبادت ممتاز نه تنها بهترین مناسک بندگی محسوب می شود، بلکه معیار پذیرش سایر اعمال^۴ و قوی ترین عامل بازدارنده انسان از ناهنجاری ها و گناهان است.^۵ اما پرسش بنیادین اینجاست: اگر نمازی دارای چنین آثار شگرفی است، چرا با وجود اقامه روزانه آن از سوی مؤمنان، همچنان شاهد تداوم گناه، جرم و جنایت در جامعه هستیم؟

نماز مجموعه ای از ارکان، آداب و شرایط است که تحقق کامل آن ضامن بروز آثار مطلوب خواهد بود؛ از این رو در غیاب یکی از این شاخصه ها، تأثیرگذاری نماز کم رنگ می شود. از برجسته ترین شرایط نماز، خشوع است. خشوع آن حضور قلب است که نماز را از مجموعه ای از حرکات مکانیکی صرف، به گفتگویی عاشقانه با خداوند متعال تبدیل می کند.

متأسفانه بخش عمده ای از نمازهای ما فاقد این روح حیات بخش است؛ از این رو قرآن و روایات بر اهمیت خشوع تأکید کرده اند. امام سجاد علیه السلام عرضه می دارد: «وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ»^۶ خدایا، به تو پناه می برم از نفسی که قانع نمی شود و شکمی که سیر نمی گردد و دلی که خاشع نمی شود».

* نویسنده و پژوهشگر.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۰۳.
۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۱۴۴.
۳. محمد بن علی ابن بابویه، الأمالی، ص ۶۴۱.
۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸.
۵. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْتَهِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (عنکبوت: ۴۵).
۶. علی بن موسی ابن طاووس، الإقبال بالأعمال الحسنة، ج ۱، ص ۱۷۴.

نگاشته حاضر در پی آن است که ضمن تبیین جایگاه حقیقی خشوع، به تشریح آثار عمیق دنیوی و اخروی این صفت در نماز بپردازد.

الف) معنا و اهمیت خشوع در نماز

برخی از مفسران خشوع را از افعال قلبی دانسته‌اند، مانند ترس و بیم (درونی)؛ گروهی دیگر آن را از افعال جوارحی شمرده‌اند، مانند آرام‌بودن و ترک توجه (به اطراف)؛ گروهی نیز میان هر دو معنا جمع کرده‌اند و این دیدگاه برتر و درست‌تر است.^۱ در مجموع خشوع را می‌توان تذلل و کوچک‌دیدن خویش در برابر عظمت الهی دانست.^۲ خشوع آن فروتنی آگاهانه‌ای است که جان انسان را در برابر شکوه بی‌پایان پروردگار به زمین می‌نشانند. به بیان دیگر، جوهر بندگی و روح عبادت در همین حالت نهفته است؛ حالتی که دل از غفلت رها می‌شود و جان در حضور رب قرار می‌گیرد. نماز بی‌خشوع، پیکری بی‌جان است؛ از این رو آیات و روایات بی‌وقفه بر حضور دل در نماز تأکید دارند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَا يَخْضُرُ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»^۳ خداوند نماز بنده‌ای را که با حضور قلب نباشد، قبول نمی‌کند.

بر همین اساس، اهل بیت علیهم‌السلام نماز را باکمال خشوع اقامه می‌کردند تا سرمشق و الگویی بی‌بدیل برای پیروان خود باشند. عظمت این سیره در روایتی گویا از امام سجاد علیه‌السلام متجلی است: «هرگاه علی بن الحسین علیه‌السلام برای ادای نماز وضو می‌گرفت و قصد ورود به مناجات را داشت، چهره‌اش دگرگون می‌شد و رنگ می‌باخت. هنگامی که از علت این تغییر شگرف پرسیده شد، فرمودند: من اکنون در محضر پادشاه بزرگ هستی (خداوند) قرار خواهم گرفت؛ پس سزاوار است که بدنم بلرزد و رنگ از رخسارم بپرد».^۴

ب) آثار دنیوی نماز خاشعانه

نماز تنها عبادتی برای آخرت نیست، بلکه همچون چشمه‌ای زلال، آثار پربرکت خود را در همین دنیا نیز جریان می‌دهد؛ به‌ویژه نماز همراه با خشوع که می‌تواند تحولات شگرفی در زندگی فردی و اجتماعی ایجاد کند. در ادامه به برخی از آثار متعدد و مهم دنیوی نماز اشاره می‌شود که این تحولات را رقم می‌زنند.

۱. محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۵۹.

۲. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۷.

۳. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۱.

۴. نعمان بن محمد مغربی ابن حیون، دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۸.

۱. تعمیق اعتقادات

یکی از مهم‌ترین و اثربخش‌ترین نتایج حاصل از خشوع قلبی، ایجاد یقین و تعمیق اعتقادات است. این اثر در کلام نورانی امام صادق علیه السلام به زیبایی ترسیم شده است: «لَا إِيمَانَ إِلَّا بِعَمَلٍ، وَلَا عَمَلٍ إِلَّا بِيَقِينٍ، وَلَا يَقِينٌ إِلَّا بِالْخُشُوعِ»^۱ ایمان محقق نمی‌شود مگر با عمل؛ و عملی ارزشمند نخواهد بود مگر با یقین؛ و یقین نیز به دست نمی‌آید مگر با خشوع».

۲. آرامش‌افزایی

انسان بذاته نیازمند آرامش و سلامت روانی است؛ چراکه در پرتو این آرامش است که مسیر کمال و دستیابی به سجایای اخلاقی هموار می‌گردد. به یقین می‌توان گفت آرامش، مهم‌ترین نیاز فزاینده انسان معاصر به شمار می‌رود. نماز عملی است که این آرامش قلبی، امنیت روانی و سلامت روان را در فرد پدید می‌آورد. انسان در نماز با قلب، تمام اعضا و حواس خود متوجه خداوند می‌شود و از تمامی اشتغالات و مشکلات زندگی روی برمی‌گرداند. این حالت تمرکز و حضور قلب، موجب کاهش چشمگیر فشارهای عصبی روزانه، تنیدگی‌ها و تنش‌ها می‌شود. قرآن کریم با ظرافتی بی‌نظیر، چنین بیان می‌دارد: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲ آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد». یاد خدا (ذکر) از منظر بنده، زمینه‌ساز این امر است که انسان خود را برای شمول عنایت و عطایای الهی آماده سازد^۳ که خداوند می‌فرماید: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِزِكْرِي»^۴.

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که با غمی از غم‌های دنیا روبرو می‌شوید، وضو بگیرید به مسجد بروید، نماز بخوانید و دعا کنید؛ زیرا خداوند دستور داده است "و استعینوا بالصبر و الصلاة"»^۵؛ همچنین فرمودند: «هنگامی که مشکل مهمی برای علی علیه السلام پیش می‌آمد، نماز می‌خواند»^۶.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۸۲.

۲. رعد: ۲۸؛ ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، مختصر مجمع البیان، ج ۲، ص ۱۳۰؛ محمد بن عمر فخر رازی، التفسیر الکبیر، ج ۱۹، ص ۴۰.

۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۳۵۳.

۴. طه: ۱۴؛ ر.ک: اسماعیل بن مصطفی حقی بروسوی، تفسیر روح البیان، ج ۶، ص ۶۶.

۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۱۹.

۶. همان.

از دیدگاه روان‌شناختی، خشوع تمرین تمرکز حواس است که از اضطراب می‌کاهد. دکتر توماس هایس لوپ - روان‌شناس آمریکایی - این‌گونه اعتراف کرده است: «نماز بهترین وسیله برای توسعه اطمینان و تسکین اعصاب است که بی‌خوابی را برطرف می‌کند».^۱ همچنین سیریل برت - روان‌شناس انگلیسی - می‌گوید: «نماز وارد انبار بزرگی از نشاط عقلانی می‌شود که در شرایط عادی قابل دسترسی نیست».^۲ تحقیقات نشان می‌دهد خشوع در نماز مانند روش‌های درمانی آرام‌سازی، نیروی روانی فرد را آزاد می‌کند و از افسردگی می‌کاهد».^۳ همچنین «یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که توجه و خشوع که از شرایط مهم نماز است، وسیله‌ای است برای پرورش و تمرین حضور ذهن و تمرکز حواس که در زندگی بسیار حائز اهمیت بوده و بیشتر موفقیت‌های انسان در نتیجه همین تمرکز و توجه کامل و حضور ذهن است».^۴

۳. سعادت و نیکبختی دنیوی

نماز خاشعانه همچون پلی است که انسان را به منبع بی‌پایان قدرت الهی پیوند می‌دهد و او را به سوی عزت واقعی، آرامش و بی‌نیازی از غیر خدا رهنمون می‌سازد؛ به همین سبب نماز با خشوع کلیدی طلایی برای دستیابی به سعادت دنیوی است. خداوند متعال در آیات اول و دوم سوره «مؤمنون»، رستگاری مؤمنان را با خشوع در نماز پیوند داده است: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ: مؤمنان رستگار شدند؛ آنان که در نمازشان خشوع دارند». «فلاح» به معنای ظرفیافتن، رسیدن به آرزو و کامیابی است. فلاح بر دو گونه است: دنیوی و اخروی. فلاح دنیوی، همان رسیدن به زندگانی گوارا و سعادت‌مند است که در مرتبه نخست دوام زندگی و سپس توانگری و عزت را دربر دارد.^۵ در تفسیر نمونه نیز ذیل همین آیه می‌خوانیم: «پیروزی و رستگاری دنیوی در آن است که انسان آزاد و سربلند، عزیز و بی‌نیاز زندگی کند و این امور جز در سایه ایمان امکان‌پذیر نیست».^۶

۱. دیل کارنگی، آیین زندگی، ص ۲۴۹.

۲. محمدعلی رضایی، قرآن و روان‌شناسی، ص ۳۶۲.

۳. ملیحه بنانی، «تحلیلی بر تاثیر عبادت و نماز بر روان‌شناسی بهداشت جامعه»، مجله میگنا (Migna.ir).

۴. <https://www.migna.ir/article/51206>.

۵. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۶؛ ابوجعفر محمد بن جریر طبری،

مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۱۵۸.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

خداوند فلاح دنیوی را برای کسانی رقم می‌زند که در نماز خاشع باشند: «الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ». «خاشعون» از ماده‌ی «خشوع» به معنای حالت تواضع و ادب جسمی و روحی است که در برابر حقیقتی عظیم در انسان پدید می‌آید و آثارش در چهره و رفتار ظاهر می‌شود.^۱

«در اینجا قرآن تنها "اقامه نماز" را نشانه مؤمنان نمی‌داند، بلکه خشوع در نماز را ویژگی شاخص آنان معرفی می‌کند؛ یعنی نمازشان تنها الفاظ و حرکات بی‌روح نیست، بلکه سرپای وجودشان در برابر عظمت پروردگار خاشع می‌شود. آنان در هنگامه نماز از غیر خدا جدا می‌شوند و به او می‌پیوندند، غرق در تفکر و حضور می‌گردند و هر لحظه نماز را درسی از خودسازی و تهذیب روح می‌دانند؛ قطره‌ای که خود را در برابر اقیانوس بی‌کران الهی می‌بیند».^۲

استاد شهید مرتضی مطهری پس از ملاقات با عارف وارسته سید هاشم حداد (از شاگردان برجسته مرحوم قاضی طباطبایی) نقل می‌کنند: «یک بار که خدمتشان بودم، از من پرسیدند: نماز را چگونه می‌خوانی؟ عرض کردم: کاملاً توجه به معانی کلمات و جملات آن دارم. فرمودند: پس کی نماز می‌خوانی؟ در نماز توجهت به خدا باشد و بس؛ توجه به معانی مکن».^۳

شیخ محمود شبستری در گلشن راز خود آورده است:

خشوع مؤمنان جان نماز است	از آن معنی که با او دوست راز است
اگر از جان و دل با حق به رازی	یقین می‌دان که دائم در نمازی
اگرچه افضل طاعت نماز است	فضیلت بیشتر اندر نیاز است
مصلی را فلاح اندر خشوع ست	خشوع دوستان در عین جوع است ^۴

۴. بازدارنده گناهان

نماز فقط انجام حرکات و اذکار نیست، بلکه انسان باید به نقطه‌ای از اتصال برسد که نتایج عملی آن در حیات دنیوی‌اش ظهور یابد. مهم‌ترین نمود این اتصال، بازدارندگی از آلودگی‌ها و پلیدی‌هاست. این حقیقت عمیق به‌صراحت در کلام الهی آمده است: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ

۱. همان.

۲. همان.

۳. <https://motahari.org/۳۵۲۷>.

۴. <https://ganjooor.net/shabestari/kanzolhaghayegh/sh۶>.

تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ^۱ و نماز را برپا دار که به یقین نماز [انسان را] از زشتی‌ها و کارهای ناپسند باز می‌دارد».

برای رفع ابهام درباره اثر بازدارندگی نماز، دیدگاه علامه طباطبائی^۲ ذیل آیه شریفه تأمل‌کردنی است. ایشان معتقد است بازدارندگی نماز در طبیعت خود، دارای علیت اقتضایی (ناقص) است، نه علت تامه؛ چراکه اگر نماز صرفاً علت تامه بود، هر کسی آن را انجام می‌داد، به یقین از فحشا و منکرات بازداشته می‌شد. اما چون اثر نماز اقتضایی است، تحقق کامل این بازدارندگی نیازمند شرایط دیگری است. بنابراین مشاهده نشدن اثر بازدارندگی در برخی نمازگزاران به دلیل وجود موانع درونی به‌ویژه غفلت شدید و عدم توجه قلبی (یعنی فقدان خشوع) است.^۳ بنابراین خشوع اساسی‌ترین شرط لازم برای تحقق اثر کامل نماز است.

این مفهوم قرآنی در کلام امام علی^{علیه السلام} به روشنی بیان شده است: «یا کمیل لیس الشأن أن تصلى و تصوم و تصدق إنما الشأن أن تكون الصلاة فعلت بقلب نقى و عمل عند الله مرضى و خشوع سوى: ^۴ ای کمیل، مهم این نیست که نماز بخوانی و روزه بگیری و صدقه بدهی؛ مهم این است که نماز با دل پاک و عمل خداپسندانه و خشوع راستین صورت گیرد».

ج) آثار اخروی نماز خاشعانه

نماز با حضور قلب (خشوع) نتایج بنیادین و متعددی در جهان باقی دارد که در ادامه به مهم‌ترین موارد آن اشاره می‌شود.

۱. سعادت و نیکبختی جاودان

علامه طباطبائی در تفسیر آیه شریفه «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»، در تبیین آثار اخروی خشوع در نماز می‌نویسند: «ظفر و رستگاری در آخرت در چهار چیز خلاصه می‌شود: بقایی که فنا نپذیرد، غنایی که دستخوش فقر نگردد، عزتی که با ذلت نیامیزد، و علمی که مشوب به جهل نباشد».^۵

در تفسیر نمونه ذیل همین آیه آمده است: «رستگاری حقیقی انسان در آخرت آن است که در

۱. عنکبوت: ۴۵.

۲. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۳۳.

۳. عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی‌القاسم طبری آملی، بشارة المصطفی لشعبة المرتضی، ص ۲۸.

۴. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۶.

جوار رحمت پروردگار، در میان نعمت‌های جاویدان، در کنار دوستان پاک و شایسته و در کمال عزت، سربلندی و آرامش جاودانه به سر برد»^۱.

متأسفانه امروزه روح خشوع در نماز رو به کم‌رنگی نهاده است. بسیاری تنها برای به‌جا آوردن تکلیف و جلوگیری از ترک نماز، آن را ادا می‌کنند. روزی ابوالعباس جوالقی کیسه‌ای (جوال) را به کسی سپرد؛ اما فراموش کرد به چه کسی. او مدت‌ها در فکر بود تا اینکه ناگهان در اثنای نماز یادش آمد که جوال را به چه کسی داده است. بلافاصله به شاگردش گفت تا جوال را از او بستاند. شاگرد با تعجب پرسید: «استاد، شما در نماز به یاد خدا بودید یا به فکر بازیابی جوال؟» ابوالعباس از این سخن چنان شرمند شد که دکان خود را رها کرد و به تحصیل علم پرداخت تا آنجا که به یکی از مفسران بزرگ قرآن تبدیل گشت.^۲

اهل بیت علیهم‌السلام نمونه کامل حضور خاشعانه در نماز بودند؛ حضوری که دنیا را در برابر عظمت عبادت محو می‌کرد. «امام سجاده علیه‌السلام مشغول عبادت بود. یکی از بچه‌های امام از پشت بام افتاد و دستش شکست. زن‌ها ریختند داد و فریاد کردند که دست بچه شکست، برویم شکسته‌بند بیاوریم. رفتند شکسته‌بند آوردند، دست بچه را بستند. بچه گریه کرد، زن‌ها ناله کردند، افراد دیگر داد و فریاد کردند، تمام شد. قضیه گذشت. امام بعد از آنکه از عبادت فارغ شد آمد در حیاط، چشمش افتاد به بچه‌اش، دید دست او را بسته‌اند. فرمود: چطور شده است؟ گفتند: بچه از بام افتاد، دستش شکست، شکسته‌بند آوردیم، دست او را بستیم در وقتی که شما مشغول نماز و عبادت بودید. امام قسم خورد که اصلاً من متوجه نشدم».^۳

۲. بخشش گناهان

نماز اوج تجلی ارتباط عاشقانه بنده با معبود یگانه است؛ اما ارزش و عمق این پیوند آسمانی به میزان حضور قلب، ادب عارفانه و خشوع کامل شکوفا می‌شود. در کلام امام صادق علیه‌السلام این‌گونه وعده داده شده است: «مَنْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا، انْصَرَفَ وَ لَيْسَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ»؛ هر کسی دو رکعت نماز بگزارد، در حالی که بداند در آن چه می‌گوید [و توجهش کامل باشد]، هنگام پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نخواهد ماند». تأکیدی دیگر بر اهمیت این

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۱۹۴.

۲. <https://forum.rasekhoon.net/amp/thread/1129126>.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۳، ص ۴۷۲.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶.

اتصال عمیق، ضمانت مصونیت ابدی از عذاب است؛ امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ قَبِلَ اللَّهَ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يَعْذَّبْهُ»^۱ کسی که خداوند از او تنها یک نماز را بپذیرد، هرگز معذب نخواهد شد».

۳. بهشتی شدن با بال‌های خشوع

خشوع در نماز تنها نشانه بندگی نیست، بلکه جواز ورود به بهشت است. هنگامی که دل انسان در برابر عظمت پروردگار نرم شود و میان خوف از عقاب و امید به رحمت الهی تعادل برقرار کند، حقیقت ایمان در وجودش آشکار می‌گردد و مسیر رستگاری هموار می‌شود. امام صادق علیه السلام با بیانی ژرف این حقیقت را چنین ترسیم فرموده‌اند:

لَا تَجْتَمِعُ الرَّغْبَةُ وَالرَّهْبَةُ فِي قَلْبٍ إِلَّا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ فَإِذَا صَلَّيْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَقْبَلُ بِقَلْبِهِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي صَلَاتِهِ وَدُعَائِهِ إِلَّا أَقْبَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَيْهِ بِقُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْهِ وَأَيَّدَهُ مَعَ مَوَدَّتِهِمْ إِيَّاهُ بِالْجَنَّةِ^۲

در دل مؤمن، رغبت به رحمت خدا و ترس از عقوبت او گرد نمی‌آیند مگر آنکه بهشت بر او واجب می‌شود. پس هرگاه به نماز ایستادی، تمام دل را به سوی خدا ببر که هیچ بنده مؤمنی دل خود را در نماز و دعا به خدا نمی‌سپارد، مگر آنکه خداوند دل‌های مؤمنان را به محبت او متوجه می‌سازد و با این محبت او را به بهشت تأیید می‌فرماید.

کتاب‌نامه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الأملی، چ ۶، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا يحضره الفقيه، مصحح: علی اکبر غفاری، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ ق.
۳. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام، مصحح: آصف فیضی، چ ۲، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵ ق.
۴. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، چ ۲، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۸۲ ش.

۱. همان.

۲. محمد بن علی ابن بابویه، من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۰۹.

۶. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، چ ۱، بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، مصحح: صفوان عدنان داوودی، چ ۱، بیروت: دارالقلم - الدارالشامیة، ۱۴۱۲ ق.
۸. رضایی، محمدعلی، قرآن و روان شناسی، تهران: سمت، ۱۳۸۵ ش.
۹. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۳، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ ش.
۱۲. طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، چ ۲، نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ ق.
۱۳. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، چ ۱، بیروت: دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.
۱۴. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سیداحمد حسینی تهران، چ ۳، تهران: کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۳ ش.
۱۵. فخر رازی، ابوعبدالله محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، چ ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دارالکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۷. کارنگی، دیل، آیین زندگی، ترجمه: احمد آرام، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۰ ش.
۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، مصحح: جمعی از محققان، چ ۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.